

چه طرحی برای نجات افغانستان؟؟

بیش از سه دهه است که جنگ های تباہ کن چه از طرف ممالک اجنبی و چه از طرف عناصر داخلی (رهبران مجاهدین و گروه طالبان) بر مردم مظلوم افغانستان تحمیل گردیده است. مردم با هر رنج و فقر و بیچارگی و مشکلات زندگی و با دادن قربانی های حملات تروریستی و از عدم کفایت حامد کرزی در امور اداری و امنیتی و سیاست خارجی نرم و منفعل (زیر اسم بیطرفی و داشتن روابط دوستی با ممالک همجوار) به ستیزه آمده اند. از جانبی در این مدت در بین افغانها زعمی بر نخوast که درد ها را دوا کند.

مردم توقع دارد که اشخاص فهیم و دانشمند کشور بتوانند از طریق تفاهم و تبادل افکار در راه وحدت ملی اقدامات جدی بکار برند و راه های معقول طرح ریزی نمایند.

با درک این واقعیت عده ای از هم میهنان طرح های را برای زمینه سازی در فراهم نمودن خواسته های مردم ارائه کرده اند که مبین وطن دوستی و علاقه شان به سر زمین شان تلقی میگردد.

قابل یاد آوریست که اولین طرح در زمان جهاد پلان سه فقره ای مرحوم محمد ظاهر شاه مطرح گردید که منتج به میان آمدن کنفرانس بن، ایجاد اداره مؤقت، تدوین قانون اساسی و انتخاب حامد کرزی بحیث رئیس جمهور اسلامی گردید. نارسائی ها و ناکامی های رژیم کرزی باعث شد تا عده ای از روشنفکران طرح ها و پیشنهادات جدید را ب مردم پیش کش نمایند.

از افغان هائیکه در ایالات متحده مقیم اند سه طرح پیشنهاد گردید.

طرح آقای نیل مسکینیار، رئیس تلوزیون شبکه جهانی آریانا، با احساس وطن دوستی عمیق و سرشاری که بکشور خویش دارد به شکل پراگماتیک کاروان صلح را پیشنهاد کرد. عده ای از وطنداران مقیم امریکا به پیشنهاد مذکور لیبیک گفتند و کمیسیون ها برای اقدام این حرکت تعیین گردید. ایشان در نظر دارند که عده افغانهای این کاروان صلح به افغانستان رفته و زمینه تفاهم و تبادل افکار همه جانبه جهت تامین وحدت ملی و دریافت راه صلح مباردت ورزند.

طرح دیگر از آقای محمد عارف عباسی است که میگوید که هر نوع مفکوره و براه انداختن یک پلتفورم سیاسی به مقصد راه حل قضیه افغانستان نشأت از افکار و عقاید افغانها نماید. برای عملی ساختن این نظریه لازم می بیند که در مرحله اول در هر شهر چه در داخل افغانستان و چه در خارج، حلقه های کوچک جهت تفاهم و تبادل نظر از اشخاص علاقمند به صلح مملکت گردهمائی اقدام نمایند. در مرحله بعدی نمایندگان این حلقات در هرکشوریکه هستند گرد هم جمع گردیده و نمایندگان خویش را به گردهمائی بزرگ در داخل افغانستان به عین صورت معرفی نمایند تا در گردهمائی یا جرگه ایکه مقام عالی و با صلاحیت میباشد، اساسنامه و پلتفورم سیاسی را ترتیب دهند.

عده ای از افغانهای مقیم امریکا و اروپا تحریک طالبان را نهضت آزادیخواهان دانسته و بحیث جبهه مقاومت ملی یاد میکنند. اهداف شان خروج قوای دول غربی و روی کار آوردن یک حکومت مؤقت و بلاخره انتخابات آزاد برای تشکیل نظام و قانون اساسی جدید میباشد.

طرح دیگر (ابتکار صلح دوکتور وحید وحیدالله، بنیانگذار موافقت نامه های بن است که در ماه سپتامبر ۲۰۰۸ در سایت انترنتی شان نشر شد).

از آنجائیکه در بعضی از رسانه ها مشکلات فعلی دولت را به موافقت نامه های بن ربط داده اند، دوکتور وحید وحیدالله برای رد این ادعا گفته است که موافقت نامه های بن بشکلی که ترتیب یافته بود مورد عمل قرار نگرفته و نواقص امروز را مربوط به تصامیم و روش نظام کنونی میداند. آنچه دیده میشود طرح مذکور یگانه طرحی است که بصورت جامع و مشرح ترتیب گردیده و توانسته است تا جرگه های در شهر کابل دائر نماید و از پشتیبانی عده از سران اقوام و وکلای ملت برخوردار باشد.

بعضی از تحلیلگران سیاسی در رابط به طرح موصوف، به تذکر لویه جرگه موقتی انگشت انتقاد گذاشته و تبصره میکنند که اصطلاح لویه جرگه موقتی در قانون اساسی وجود ندارد و شکل قانونی بخود نمیگیرد. گروه دیگر نظر دارند که این طرح به ماده شصت چهارم قانون اساسی که درمورد صلاحیت های رئیس جمهور در حالت اتثنائی بمنظور دائر نمودن لویه جرگه تذکر رفته استناد میکنند و علاوه میکنند که شرایط تطبیق فقره هفتم ماده شصت و چهار به عملی شدن مواد ماده شصت و نهم قانون اساسی ارتباطیگیرد.

باهمه مشکلات و سد هائیکه قانون اساسی برای عملی شدن این طرح درپیش میگزارد تطبیق آن خارج از امکانات نمیباشد.

در این اواخر مناقشه و مباحثه تلویزیونی بین آقای زلمی خلیل زاد و آقای عمر خطاب، رئیس تلویزیون پیام افغان، در مورد خطراتی که افغانستان بدان مواجه است صورت گرفت. آقای خطاب کوشش میکرد تا آقای خلیل زاد در صحنه سیاسی افغانستان به فعالیتهای عملی اقدام نماید تا یک حرکت مردمی بعمل آید. آقای خلیل زاد از رفتن خویش به افغانستان اطمینان داد و تذکر داد که هرنوع حرکت و جریانی که به اساس قانون اساسی نباشد نمی پذیرد و طرفدار تشکیل یک کمیته از اشخاص علمی و مسلکی در پهلوی حکومت برای اصلاحات در امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و اداری میباشد.

طرح حامد کرزی رئیس جمهور:

این طرح یک پیشنهاد بود که تحت عنوان صلح با طالبان با مشارکت ملی و بدون آنکه ملت و ولسی جرگه از محتوا و شرائط آن خبر باشد از طریق رسانه ها به نشر رسید، رئیس جمهور اول این پیشنهاد را به کنفرانس لندن ارائه نمود و توانست موافقت و کمکهای ممالک اشتراک کننده را جلب نماید و تا اندازه ای مشروعیت از دست رفته خود را دوباره احیا کند. این طرح آنقدر که ساده بنظر میرسد نبوده و در پشت پرده و خفا، کرزی توانسته بود با یک عده از سران طالبان در تماس باشد.

تحلیل اینکه صلح با طالبان و تطمیع آنها راه حل واقعی قضیه افغانستان میباشد مورد سوال است مهم آن است که با طرح صلح کرزی دولت پاکستان عکس العمل نشان داده و در پهلوی سیاست چند جانبه سابق خود عنصر جدیدی را داخل ساخت و در ظاهر امر به جهانیان مخصوصاً به حامد کرزی وانمود میکرد که طرفدار صلح در افغانستان میباشد. اما با دستگیری ملا برادر و یکعه از سران تحریک طالبان که گفته میشود بدون مشوره مقامات پاکستانی با طرح صلح کرزی خوشبینی نشان داده بودند این امر پلان دولت کابل را تا اندازه زیادی خنثی ساخت. بدین صورت پاکستان میخواهد وانمود سازد که هیچ تصمیمی در مورد سرنوشت افغانستان بدون نظر پاکستان عملی نمیتواند باشد. آی اس آی پاکستان با پلان گذاری حمله انتحاری هفت حوت در کابل که باعث کشته شدن نه نفر هندی و برگشت دوکوتوران و نرسهای هندی که در شفاخانه اندیرا گاندهی مشغول فعالیت بودند گردید و هم دهلی جدید را متوجه معضله کشمیر ساخت.

نسبت اوضاع مایوس کننده مردم و جهان به دلسردی روز افزون مواجه بوده و خطر آن میرود که قوای خارجی و عساکر غربی افغانستان را ترک کنند و سر نوشت این کشور به پاکستانی ها، ایرانی ها و طالبان واگذار گردد. در چنین حالت نابسامانی شاید سرنوشت افغانستان طور دیگری بازی گردد.

با ملاحظات فوق و از روحیه تمام طرحهای که در بالا از آنها یاد شد - مسئله اساسی و مهم راه حل مسالمت آمیز را تنها مربوط به خواسته ها و تفاهم و تبادل افکار و تأمین وحدت ملی میدانند.

متأسفانه افغانها با وجود درک وخامت اوضاع نتوانستند نفاق، خودخواهی، جاه طلبی، رقابتهای شخصی، قبیلولی، تفاوتهای مذهبی و وابستگی ها به گروههای استفاده جوی جهادی را برای احیای وطن کنار بگذارند و دست همبستگی و اتحاد بهمديگر بدهند.

افغانها امروز نه اسلحه، نه قوای نظامی و نه تجهیزات حربی دارند تا بر علیه دستگاه استخباراتی آی اس آی بجنگند و از حملات انتحاری که مردم را به خاک و خون کشانیده جلوگیری کنند. باید با تاجر گفت که یگانه وسیله ای که میتواند افغانستان را در طول مدت هشت سال گذشته براه سعادت، امن و خیر و صلاح مردم رهنمائی کند استفاده از سیاست خارجی آن بود. بیش از یک قرن است که حکومتهای افغانستان در سیاست خارجی خود بیطرفی و داشتن روابط حسنه را بصورت عنعنوی به پیش میرند و در نتیجه کشور را در انزوا و عدم تحرک قرار دادند. امروز سوالهای بوجود می آید آیا دولت کنونی سیاست خارجی مشخصی دارد که ملت از آن آگاه نیست؟ چطور باور میتوان کرد که دولت با داشتن تعهدات و روابط دوستی با پاکستان میخواهد افغانستان را بازسازی کند و ظرفیت نظامی آنرا دوباره آنقدر بلند ببرد که متوازن با دشمنانش باشد تا بتواند از خود دفاع نماید.

هموطنان عزیز افغانستان در خطر است زمان به منفعت دیگران و بضرر کشور روان است در صورتیکه شاکی از نظام حامد کرزی هستید وقت آن رسیده تا زعمی از بین خویش تعیین و وی را جدا یاری و مدد نمائید و یا اینکه یکی از طرح های که در بالا بتذکر رفت پشتیبانی نموده و با درک حساسیت منطقه حرکت آئید.

به امید موفقیت شما.

پروفیسور دوکتور عبدالولی ذکی